

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶۰-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

نگاه
صبابه
رنالیتی شوی
«کارناوال» به کارگردانی
رامبد جوان

بازتعریف سرگرمی در شبکه خانگی

یک فقدان بزرگ در تلویزیون است؛ رسانه‌ای که نه تنها نتوانسته نیروهایی هم سطح برادران قاسمخانی تربیت کند، بلکه با حذف تدریجی آن‌ها، به کیفیت برنامه‌سازی خود آسیب جدی زده است. «کارناوال» نشان می‌دهد که هنوز هم می‌توان با ترکیب تجربه و خلاقیت نویسندگان کارکننده، اثری ساخت که هم در فرم و هم در محتوا نو و جذاب باشد.

از منظر فرهنگی و اجتماعی، «کارناوال» واجد اهمیتی فراتر از یک برنامه سرگرم‌کننده است. مشارکت مستقیم مردم در نقد عملکرد سلبریتی‌ها و شکل‌گیری فضایی که در آن نقدپذیری ارزش به حساب می‌آید، اتفاق کوچکی نیست. در جامعه‌ای که اغلب گفت‌وگوها انتقادی یا به حاشیه رانده می‌شود یا به جدال و تقابل بدل می‌گردد، چنین تجربه‌ای می‌تواند به تدریج فرهنگ گفت‌وگوی مدنی و پذیرش نقد را تقویت کند. از سوی دیگر، حضور سلبریتی‌ها در موقعیتی که باید در معرض داوری مستقیم مردم قرار گیرند، نوعی فروتنی و بی‌ادعایی را به نمایش می‌گذارد که در فضای پرزرق و برق چهره محور امروز کمتر دیده می‌شود.

مقایسه «کارناوال» با برنامه‌های تلویزیون نشان می‌دهد که تفاوت اصلی تنها در آزادی‌های بیشتر شبکه خانگی خلاصه نمی‌شود، بلکه در نوع نگاه به مخاطب است. تلویزیون هنوز بر همان الگوهای قدیمی تکیه دارد که مجری باید چهره اصلی باشد، ریتم برنامه باید آهسته و کنترل شده پیش برود و نقد مردم نباید نقش پررنگی داشته باشد. در مقابل، «کارناوال» مردم را داور اصلی می‌داند، مجری را به نقش هدایتگر تقلیل می‌دهد، آیت‌ها را با ریتم تند طراحی می‌کند و حتی با نمایش پشت صحنه و خود انتقادی، دیوار میان تولیدکننده و مصرف‌کننده را برمی‌دارد. این همان نقطه‌ای است که نشان می‌دهد چرا شبکه خانگی توانسته جذابیت بیشتری برای نسل جدید داشته باشد.

در مجموع، «کارناوال» رامبد جوان نه صرفاً یک برنامه سرگرم‌کننده، بلکه یک تجربه رسانه‌ای متفاوت است؛ تجربه‌ای که توانسته از مرزهای مرسوم تلویزیون عبور کند و با ترکیب هوشمندانه خلاقیت، نقدپذیری، تنوع آیت‌ها و تیم نویسندگی حرفه‌ای، مدلی تازه از سرگرمی مبتنی بر مشارکت و گفت‌وگو ارائه دهد. این برنامه ثابت می‌کند که اگر دست برنامه‌سازان باز باشد و اعتماد به خلاقیت آن‌ها وجود داشته باشد، می‌توان محصولی ساخت که هم خانواده‌ها را دور هم جمع کند، هم کودکان را جذب کند، هم برای بزرگسالان محتوای جدی‌تری فراهم آورد و هم فرهنگ نقد و گفت‌وگو را در دل سرگرمی پرورش دهد.

اجرای خوب و پویای مه‌سازها می‌شود؛ برنامه‌مکملی که با شیفت‌های جذاب مجری به پشت صحنه، تمرین‌ها، گفت‌وگو با مردم و روند تولید اختصاص دارد و با طنز و شوخی، برنامه اصلی را زیر ذره‌بین می‌گذارد. در نگاه نخست ممکن است این رویکرد به نوعی خودزنی تعبیر شود، اما در واقع نشان دهنده جسارت یک برنامه‌ساز است که حاضر است اثر خود را نیز به نقد مستقیم بگذارد.

حضور تنها یک عروسک در برنامه، گریه‌ای به نام «افتو»، که یک چشم، یک دست و یک پا را در حمله دزدان دریایی از دست داده و صرفاً با رامبد جوان وارد ارتباط می‌شود، یکی از نکات هوشمندانه و برجسته «کارناوال» است. در نگاه اول، طراحی ظاهری این عروسک شاید چندان زیبا یا چشمگیر به نظر نرسد، اما جذابیت واقعی آن در روابط دراماتیک و بازی‌های کلامی میان افتو و رامبد جوان نهفته است، که با صدای پیشگی ماهرانه بهادر مالکی و عروسک‌گردانی استادانه محمد لقمانیان ارائه می‌شود. این تعاملات نه تنها مخاطب بزرگسال، بلکه کودکان را نیز جذب می‌کند و باعث می‌شود خانواده‌ها به صورت هم‌زمان درگیر داستان‌ها و شوخی‌های برنامه شوند. این نکته نشان می‌دهد که موفقیت رامبد جوان در برنامه‌هایی مانند «خندوانه» و «بایستی» صرفاً به عروسک محبوب جناب‌خان نداشته است، بلکه او موفقیت خود را مرهون خلاقیت و اعتماد به تیم حرفه‌ای و متخصص خود است که اجازه داده هر بخش برنامه با ظرافت و ابتکار طراحی و اجرا شود.

افزون بر این، ترکیب موسیقی زنده، سوزهای بدیع طراحی شده برای گروه بدلکاری، تبلیغاتی که به شکلی هوشمندانه به حال و هوای کلی برنامه همخوانی دارند و دست‌انک‌ها و آیت‌ها متنوع، ریتمی شاد و پیوسته ایجاد کرده است که مخاطب را حتی برای لحظه‌ای از برنامه جدا نمی‌کند. این مجموعه عناصر باعث شده کارناوال نه تنها سرگرم‌کننده باشد، بلکه تجربه‌ای پویا و چندلایه برای همه گروه‌های سنی فراهم کند و نشان دهد که خلاقیت و هماهنگی تیم حرفه‌ای، موتور اصلی موفقیت برنامه است، نه تکیه صرف بر یک شخصیت یا عنصر خاص.

اما شاید مهم‌ترین نقطه قوت «کارناوال» را باید در تیم نویسندگی آن جستجو کرد. حضور مهرباب قاسمخانی به عنوان سرپرست نویسندگان و تجربه مشترک سالیان متمادی او و پیمان قاسمخانی در کنار مهران مدیری، باعث شده متنی شکل بگیرد که هم هوشمندانه و سرشار از خرده دیالوگ‌های بامزه و هم متناسب با نیاز مخاطب امروز شبکه خانگی است. این حضور در عین حال یادآور

ریالتی شوی «کارناوال» با اجرا و کارگردانی رامبد جوان و تهیه‌کنندگی محمد شریفی در شبکه خانگی را می‌توان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین تجربه‌های برنامه‌سازی چند سال اخیر دانست؛ تجربه‌ای که نه در چارچوب محدود تلویزیون، بلکه در فضایی آزادتر و منعطف‌تر شکل گرفته و توانسته نشانه‌های تازه‌ای از آنچه در آینده رسانه‌های سرگرمی ایران می‌تواند رخ دهد، به نمایش بگذارد. ساختار برنامه به گونه‌ای طراحی شده که در هر گوشه آن اتفاقی تازه جریان دارد و مخاطب مدام با رویدادهای غیرمنتظره و نوآورانه روبه‌رو می‌شود، به گونه‌ای که حس کشف و مشارکت در کل تجربه بیننده جاری است. این ویژگی «کارناوال» را به یک شهر فرنگ مدرن تبدیل کرده است؛ شهری که ریتم تند، تنوع آیت‌ها و جابه‌جایی‌های سریع آن، هیچ لحظه‌ای مجال خستگی به بیننده نمی‌دهد و او را درگیر تجربه‌ای جمعی و پویا می‌سازد.

مسابقاتی که میان سلبریتی‌ها برگزار می‌شود، بخش محوری برنامه است، چرا که این بار قدرت داوری در دست مردم است و آن‌ها به شکل مستقیم رأی می‌دهند و عملکرد شرکت‌کنندگان را ارزیابی می‌کنند. این مکانیزم نه تنها هیجان و مشارکت واقعی را ایجاد می‌کند، بلکه تمرینی عملی برای نقدپذیری و گفت‌وگو در فضای عمومی نیز به حساب می‌آید؛ همان نوع دموکراسی مشارکتی که تحقق آن به تمرین و ممارست زیاد نیاز دارد و در رسانه‌های رسمی ما کمتر مجال بروز یافته است. این رویکرد، تفاوت بنیادین «کارناوال» با بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی را به نمایش می‌گذارد، جایی که اغلب مجری و برنامه‌ساز کنترل کامل جریان و احساسات مخاطب را در دست دارند و فرصت حضور و تأثیرگذاری واقعی تماشاگر محدود است.

نکته مهم در این روند، جایگاه رامبد جوان به عنوان گرداننده برنامه است. او برخلاف بسیاری از مجریان تلویزیون، به ویژه چهره‌هایی نظیر احسان علیخانی که همواره در کانون برنامه می‌ایستند و نقش قاطعانه‌ای در روند مسابقه و حتی شکل‌گیری احساسات مخاطب دارند، در «کارناوال» کوشیده خود را از متن کنار بکشد و دخالتی در رأی‌گیری نداشته باشد. همین فاصله‌گذاری هوشمندانه سبب شده حضورش نه آزار دهنده بلکه هدایتگر باشد و نقش واقعی‌اش به عنوان مدیر صحنه، کارگردان و در نهایت خالق این تجربه نمایان شود. او تنها جایی اعمال نفوذ و نگاه جدی خود را آشکار می‌کند که وارد فضای «کارناوال تر» با

امیر افشار فتوحی
نقد و تحلیل

